

٩١ / ١٢ / ١٥

جلسه ٧٨

صحیح و اعم

سه شنبه

سال سوم

صحیح و اعم (١٢)

پیشخوان

اشکال حضرت امام بر مبنای مرحوم نائینی

اشکال مرحوم خویی به مبنای مرحوم نائینی

جمع بندی مبنای مرحوم نائینی

مبنای مرحوم عراقی : بیان کلام ایشان

مبنای مرحوم عراقی : جواب مرحوم عراقی به یک قول در قسم اول

ما می گوئیم

پاسخ حضرت امام به اشکال اول

۱. مبنای مرحوم نائینی

دو مبنی در بحث «اخذ امتثال امر در عبادات»

۱. قائل به **امکان** آن = مبنای امام خمینی

۲. قائل به **عدم امکان** آن = مبنای مرحوم آخوند و مرحوم نائینی

وضعیت بحث بر اساس مبنای اول:

در این بحث مشکله ای ندارد چراکه امکان لحاظ این شرط در مرتبه مسمی وجود داشته و در این مرتبه لحاظ شده است و طلب بعد از این مرتبه حاصل می شود

ان قلت :

چگونه چنین شرطی را در موقع تسمیه لحاظ کرده است در حالیکه این شرط بعد از پیدایش امر حاصل می شود!

قلت :

آنچه مؤخر از امر است وجود خارجی قصد قربت است و نه لحاظ ذهنی آن

اشکال

حضرت

امام بر

مرحوم

نائینی

۱. مبنای مرحوم نائینی

اولاً:

می توان گفت آنچه لفظ صلوة برای آن وضع شده است (صلوة صحیح من جمیع الجهات) لازم نیست همان چیزی باشد که مورد امر قرار گیرد

لذا: متعلق طلب غیر از مسمی است

پس: همیشه در حال امر باید بگوییم آنچه مأمور به است، معنای حقیقی صلوة نیست بلکه معنای مجازی آن است

ثانیاً:

ثانیاً تسمیه می تواند به نفس امر باشد و مقدم بر آن نباشد

وضعیت بحث بر
اساس مبنای دوم:

اشکال
حضرت
امام بر
مرحوم
نائینی
(۲)

۱. مبنای مرحوم نائینی

امکان **نام گذاری** برای دو شیء که رتبه و زماناً **در طول هم** هستند

به این معنی که:

اگر وجود خارجی قصد قربت و عدم مزاحم و عدم نهی در طول وجود خارجی اجزاء مأمور به است دلیل نمی شود که تصور قصد قربت و ... را نتوان در مسمی (مرحله تسمیه) لحاظ کرد

اشکال

مرحوم

خوئی

به مرحوم

نائینی

۱. مبنای مرحوم نائینی

مهم ترین نکته ← مجاز بودن استعمال لفظ صلوة مأمور بها در صورتی که :
«شرائط حاصله از ناحیه طلب» را داخل در محل بحث بدانیم

این در حالی است که بگوییم : نمی توان قصد وجه و قصد قربت را در مأمور به لحاظ کرد
ولی اگر بگوییم : قصد قربت را می توان در مأمور به اخذ کرد، لازم نیست به «مجاز» قائل شد

جمع بندی
مبنای
مرحوم
نائینی

قسم اول از اقسام شرایط :

تعریف: شرایطی که هم امکان اخذ آنها در متعلق طلب وجود دارد و هم اخذ شده اند

حکم: داخل در محل نزاع هستند

قبیل: شرایط از محل نزاع خارج هستند

یعنی صلوة وضع شده است برای «صلوة صحیح من حیث الاجزاء فقط»

دلیل اول :

اجزاء در رتبه مقتضی هستند و رتبه شرایط از رتبه مقتضی متأخر است

و چیزی (شرائط) که در رتبه متأخر از مقتضی (اجزاء) است نمی تواند در رتبه مقتضی داخل شود.
اگر بخواهیم مسمی و شرایط را (اجزاء و شرایط) در کنار هم قرار دهیم، لازم می آید که شرایط در رتبه

اجزاء باشند و این محال است

دلیل دوم:

شرط در شریعت - آنچه در لسان شارع، به صورت «قید برای مسمی» آورده شده باشد.

پس : باید «مسمی» زماناً در رتبه مقدم حاصل شده باشد تا شرط به آن ملحق شود.

چراکه : مسمی برای شرط مثل موضوع است برای حکم

مؤید این عقیده:

فقها اجماع دارند که صلوة از عبادات قصدی است

در حالیکه برخی از شرائط قصدی نیستند (مثل طهارت خبثی)

پس صلوة و هر چه در آن است قصدی است و شرائط قصدی نیستند پس داخل در صلوة نیستند

کلام

مرحوم

عراقی

(۲)

جواب به این قول:

اولا: این سخن فی نفسه غلط است

ثانیا: بر فرض که درست باشد، این استدلال ثابت می کند شرائط از مسمی خارج هستند ولی ثابت نمی کنند که «تقیّد به شرائط» داخل در معنای نماز نباشد

ان قلت: شرائط حتماً داخل در مسمی هستند چراکه در روایات داریم لا صلوة إلا بطهور

قلت: این استدلال غلط است چون اجزاء در حالیکه مقیّد به طهارت هستند، نماز هستند و لذا اگر طهور نباشد، نمازی در کار نیست ولی این به معنای آن نیست که خود طهور داخل در نماز باشد

۲. مبنای مرحوم عراقی

اشکال اول، آن بود که: شرائط در رتبه مؤخر از اجزاء هستند و نمی توانند با هم در مسمی دخیل باشند

اشکال دوم آن بود که: شرطیت طهارت از «صلّ مع الطهارة»، فهمیده می شود
یعنی اول صلوة برای اجزاء وضع شده و بعد شرطیت جعل شده است

جواب مرحوم عراقی در پاسخ به اشکال اول آن بود که :
اصل شرائط مؤخر هستند ولی تقیّد به آنها، هم رتبه اجزاء است

این پاسخ نمی تواند جوابی برای اشکال دوم باشد، چراکه :
«تقیّد به طهارت» از جمله صلّ مع الطهارة فهمیده می شود و لذا زماناً از تسمیه مؤخر است

ما
می گوئیم

۲. مبنای مرحوم عراقی

تأخر شرط از جزء، مربوط به **عالم واقع** است
ولی در **مقام تسمیه**، می توانیم هم جزء و هم شرط را با هم و در کنار هم لحاظ کنیم

اشکال به محقق عراقی:

حل نشدن مشکل با جایگزین کردن تقیّد به شرط به جای شرط

چراکه اگر **تقیّد به شرط را در مسمّی** مطرح می کنید چون باید جزء باشد تا شرط در رتبه بعد بیاید و بعد تقیّد به شرط، مطرح شود، لاجرم تقیّد به شرط در رتبه بقیه اجزاء نیست

اما اگر تقیّد به شرط، به نحو **قضیه حینیه** است داخل در مسمّی نمی شوند

پاسخ
حضرت
امام به
اشکال اول